

## فرا تحلیل مطالعات مرتبط با رابطه بین هویت قومی و هویت ملی در ایران با تأکید بر نقش رسانه

سید صمد بهشتی، \* محمد حقرادی \*\*

### چکیده

وجود اقوام متنوع در ایران از یک سو و تلاش برای ایجاد هویت ملی منسجم از دوره پهلوی اول تاکنون از سوی دیگر، این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که هویت قومی و ملی در ایران چه ارتباطی با هم دارند. هرچند در مطالعات پراکنده‌ای به صورت مستقیم و غیرمستقیم به این موضوع پرداخته شده، در مجموع، نتیجه و برآیند کلی این مطالعات مشخص نشده است. از این رو در این مقاله به فرا تحلیل پنجاه مقاله علمی و پژوهشی مرتبط با سؤال مذکور در مورد رابطه هویت قومی و هویت ملی در ایران پرداخته شده است. یافته‌ها نشان داد که رویکرد پوزیتویستی و روش‌های کمی تحقیق به ویژه کاربرد ابزار پرسش‌نامه وجه غالب روش‌شناختی مقالات بوده است. مبحث قومیت در بین دو قوم کرد و عرب با حساسیت بیشتری دنبال می‌شود. مسئله این تحقیقات بیشتر تبیین چرایی و چگونگی فعال شدن هویت‌های قومی بوده است و به نقش رسانه در شکل‌دهی این رابطه توجه خاصی شده است. ۴۰ درصد مقالات قائل به همسازی بین هویت ملی و هویت قومی بوده‌اند و ۴۸ درصد آنها رسانه‌ها و فضای جهانی شدن را باعث تقویت هویت قومی دانسته‌اند. در مجموع، مقالات، هویت ایرانی را چندگانه و ترکیبی می‌دانند و فقط در بین دو قوم کرد و عرب تعلق به هویت قومی بالاتر از هویت ملی بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** هویت قومی، هویت ملی، رسانه، فرا تحلیل.

ssbeheshty@gmail.com

\* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول)

haghmoradi2020@gmail.com

\*\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۱۹

مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۵-۲۷

## مقدمه و بیان مسئله

تکثر و تنوع هویتی یک واقعیت موجود در اکثر قریب به اتفاق جوامع در گذشته و حال بوده است. در دوره معاصر نیز علی‌رغم فرایندهای نوسازی و برقراری نهادهای مدرن، این تنوع هویتی نه تنها کاهش نیافت بلکه بدل به موضوعی برای مناقشه و منازعات حول تمایزات و تفاوت‌های هویتی گردید. همچنین از نیمه دوم قرن بیستم، فرایندهای جهانی‌شدن مانند رشد و گسترش روزافزون رسانه‌ها و از انحصار خارج شدن کنترل و مدیریت رسانه‌ها باعث رشد آگاهی‌های هویتی و امکان بازنمایی آنها شد و اتفاقاً همگام با سایر تحولات اجتماعی و فرهنگی، تنوع و تکثر هویتی را بیشتر کرد و در کنار منابع دیرین مانند نژاد، دین، مذهب و ملیت، هویت‌خواهی‌های نوین مبتنی بر جنسیت، گرایش‌های جنسی، سبک زندگی، گروه‌های شبه‌دینی و... تقاضای به رسمیت‌شناخته شدن داشتند.

هرچند واقعیت تنوع و تکثر هویتی در ایران کمتر انکار شده است، به دلیل تبعیض و نابرابری‌های موجود در ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه کشمکش‌ها و فعالیت‌های هویت‌خواهانه حول دو محور قومیت و مذهب در صد سال گذشته به وقوع پیوسته است. قومیت در مقاطع مختلف به واسطه حوادث سیاسی و نظامی برجستگی ویژه‌ای یافته است؛ اما پس از تشکیل دولت مدرن در ایران هویت قومی همواره به‌عنوان یک موضوع، مورد توجه صاحب‌نظران رشته‌های مختلف از جمله علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ و مردم‌شناسی بوده است. حجم بسیار زیاد تحقیقات و مقالات نگاشته شده در مورد هویت قومی، لزوم تحلیل دوباره آنها به صورت کلی و منسجم جهت استخراج و استنتاج نکات اصلی آنها را به کاری ارزشمند بدل می‌سازد. در عین حال، مسئله هویت اعم از هویت ملی، هویت ایرانی، هویت اسلامی، هویت قومی و... به مثابه یک مشکل اجتماعی و معضل سیاسی - امنیتی از سوی دولتمردان، سیاسیون، روزنامه‌نگاران و عالمان علوم انسانی مطرح و مورد بحث قرار گرفته است. در این میان مطالعات زیادی که به موضوع بحران هویت ملی یا رابطه هویت ملی و هویت قومی پرداخته‌اند مؤید این نظر است.

مشکله هویت از نظر تاریخی مبحثی کلاسیک است. مفهوم هویت در رویکردها، گفتمان‌ها و نظریه‌ها، متنوع و گسترده بوده و از موضوعات محوری دانش از فلسفه گرفته تا زبان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی است. در دهه نود میلادی، «هویت» به یکی از چارچوب‌های وحدت‌بخش مباحث روشنفکری و به قول جنکینز به «نشانه‌ای از روزگار» ما بدل شده بود (جنکینز، ۱۳۸۱: ۱۱؛ به نقل از کریمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰). طی دو دهه گذشته و به دلیل هم‌زمانی روندهای مختلف، شاهد ظهور پدیده جدیدی با عنوان افزایش آگاهی‌های هویتی (قومی، جنسیتی و مذهبی) هستیم که الزاماً ریشه در نارضایتی‌های اقتصادی و سیاسی

ندارد. به عبارت دیگر، آنهایی که در اعتراضات و جنبش‌های هویتی حضور دارند، الزاماً از طبقات پایین و کارگری یا گروه‌های سیاسی نیستند (قهرمان‌پور، ۱۳۸۸: ۴۷). برخلاف پارادایم نوسازی که اثرات نوسازی مانند شهرگرایی، عرفی‌شدن و صنعتی‌شدن (و رسانه‌ها) را دارای توان ایجاد فرهنگ یکدست مردمی با وفاداری میهن‌پرستانه در تقابل با وفاداری‌های قومی و قبیله‌ای می‌دانست، خیزش دوباره قومیت‌گرایی (در اواخر قرن بیستم) نه تنها یک واقعیت علمی در ردّ این ادعا بود، بلکه یک مفهوم کلیدی برای سرشت روابط اجتماعی شد (گالاگر، ۲۰۰۵). از اواخر قرن نوزدهم میلادی که زمان ظهور بحران تجدد است گفتمانی شکل می‌گیرد که بیان کامل آن را در عصر مابعد تجدد و نظریه مابعدنوگرایی می‌یابیم. این گفتمان را تکثرگرایی هویتی می‌نامند (کچوئیان: ۱۳۸۴). بخشی از این تکثرگرایی هویتی، خود را در بازشناسی قومیت‌ها و به چالش کشیدن هویت ملی می‌نمایاند.

جهانی‌شدن که از نظر زمانی بعد از پروژه و پروسه مدرنیزاسیون آغاز شده، ابعاد بحران هویت ملی را به مراتب پیچیده‌تر کرده است، تا حدی که گاهی ادعا می‌شود پروژه ایجاد هویت ملی مربوط به گذشته است و در عصر جهانی‌شدن هویت‌های فراملی مهم‌تر از هویت ملی می‌باشند (قهرمان‌پور، ۱۳۸۳). در سال‌های اخیر با تسریع و تسهیل ارتباطات، زمینه برای ایجاد و تقویت ارتباطات قومی ایجاد شده است. این مسئله با فرایند جهانی‌شدن که باعث تضعیف و کمرنگ‌شدن نقش هویت‌ساز دولت شده، وضعیت بغرنجی را ایجاد کرده است. جهانی‌شدن با نفوذپذیر ساختن مرزها و فضا محوری امر اجتماعی به جای مکانمندی آن، نقش دولت را در امر هویت‌سازی به چالش طلبیده است (جعفرزاده‌پور، ۱۳۹۳: ۶۴). حال (۱۳۸۳ الف) در بحث «جهانی‌شدن و قومیت» رویکرد همگون‌سازی در مورد جهانی‌شدن را نگاهی ساده‌دلانه، بی‌مسئله و فارغ از تضاد می‌داند. وی این رویکرد را مورد نقد قرار می‌دهد. حال تأثیر جهانی‌شدن بر هویت‌های فرهنگی را در سه سطح هویت ملی، هویت فرامدرن جهانی و هویت محلی پیگیری می‌کند. هویت‌های محلی که تا دیروز امکان ابراز وجود نداشتند امروز با سرعتی فوق‌العاده خود را مطرح می‌سازند. این هویت‌ها تاریخ پنهان خودشان را باز می‌یابند و آن را از آخر به اول روایت می‌کنند. آنها دریافتند که تاریخی دارند و می‌توانند آن را بازگو کنند، چراکه هیچ‌وقت فرصت روایت کردن آن را نداشته‌اند. هویت‌های حاشیه‌ای در تلاش برای پیداکردن ریشه خود دنبال کسب جایگاهی از طریق تاریخ پنهانشان برای بیان خود می‌گردند. این اشتیاق و طلب ریشه‌ها و کسب جایگاه همان قومیت است (حال، ۱۳۸۳ ب).

در کشور چندقومی ایران، مسئله هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی از موضوعات مهم و مورد توجه محققان و نیز سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان بوده است. در این زمینه پایان‌نامه‌ها، طرح‌های پژوهشی، مقالات و کتاب‌های زیادی به رشته تحریر درآمده، به طوری که در چند دهه

اخیر، موضوع هویت ملی و هویت قومی و بررسی مسائل مرتبط با هویت و ابعاد آن به یکی از موضوعات اصلی و محوری علوم اجتماعی و انسانی در کشور تبدیل شده (اباذری، ۱۳۸۳؛ کچوئیان، ۱۳۸۴؛ کهنه‌پوشی، ۱۳۸۸؛ کریمی، ۱۳۸۹؛ عبداللهی و قادرزاده، ۱۳۸۸؛ فکوهی، ۱۳۸۸) که در نتیجه آن ادبیات قابل توجهی در این زمینه در سطح ملی تولید شده است. با توجه به اهمیت این موضوع در ایران، مجموعه‌ای از مطالعات انجام شده است که هر کدام جزئی و پراکنده‌اند و در مجموع نمی‌توان در خصوص وضعیت هویت قومی و ملی در ایران به قضاوتی متقن دست یافت. نویسندگان این مقاله در نظر دارند با فراتحلیل مطالعات انجام‌شده در این زمینه به این شناخت دست یابند که این مطالعات دارای چه رویکردهای نظری، روش‌شناختی، جامعه آماری، نمونه آماری و نتایجی بوده‌اند و درنهایت چه نقدهایی بر کلیت آنها وارد است.

### روش‌شناسی

علی‌رغم وجود حجم کثیری از مقالات، کتب و نوشته‌ها درباره هویت قومی، در ایران تاکنون تحلیلی کلی بر این پژوهش‌ها صورت نگرفته است. در این مقاله سعی بر این است که مطالعات انجام‌شده در زمینه هویت قومی در ایران به لحاظ نظری و روش‌شناختی مورد مطالعه قرار گیرد تا از یک‌سو با مشخص‌نمودن وضعیت نظری و روش‌شناختی این پژوهش‌ها، نقاط ضعف و قوت کارهای پژوهشی آشکار شده و از سوی دیگر با جمع‌آوری یافته‌های پژوهشی از مطالعات منفرد و پراکنده، تصویری کلی از یافته‌های آنها ارائه شود. برای این منظور، محققین یکی از شناخته‌شده‌ترین روش‌ها برای مرور تحقیقات گذشته، یعنی فراتحلیل را برگزیده‌اند که نوعی مطالعه جامع برای ارزیابی و استنتاج مطالعات پیشین است.

در این روش، موضوع پژوهش، تحقیقات انجام‌شده در مورد موضوعی خاص هستند و هرچند در آن انباشتی از یافته‌های علمی صورت می‌گیرد که می‌تواند چراغی فراراه مطالعات آتی باشد، باید در نظر داشت که یافته‌های حاصل از آن قابل تعمیم نیست و تنها زمینه را برای قضاوت در مورد یافته‌های پیشین فراهم می‌کند.

فراتحلیل به نقد درون یک حوزه مطالعاتی و گشودن باب گفت‌وگو درون یک اجتماع علمی، توسعه و انباشت دانش، دستیابی به پایایی و روایی و استفاده از برآیند یافته‌های پژوهش‌های مختلف منجر می‌شود. در حوزه علوم اجتماعی انجام کارهای فراتحلیل امری متأخر است و در خصوص موضوع هویت تنها چند پژوهش انجام شده است. به‌طورکلی می‌توان گفت فراتحلیل‌های مورد مطالعه، همانند این فراتحلیل، به روش کیفی انجام شده‌اند و تنها از کجا (۱۳۸۵) با روش کمی و با استفاده از ترکیب احتمالات و ترکیب شدت تأثیر به تحلیل نتایج پرداخته است و همچنین محسنی تبریزی (۱۳۸۹) نیز اندازه اثر متغیرها را بررسی کرده است.

بعضی از فراتحلیل‌ها مانند کار ناطق‌پور (۱۳۸۵) بیشتر مرور مطالعات بوده و فقط به تلخیص پژوهش‌ها اقدام کرده‌اند. عموم فراتحلیل‌های انجام‌شده در این زمینه به بررسی تعداد کمتر از پنجاه پژوهش پرداخته‌اند. یکی از مزیت‌های این تحقیق تهیه فرم استخراج اطلاعات است که ۲۲ ویژگی هر مقاله را استخراج و براساس آن فراتحلیل انجام شده است. عبداللهی (۱۳۸۹) نیز به شیوه مشابهی کار کرده است.

جامعه آماری این تحقیق را کلیه مطالعاتی تشکیل می‌دهد<sup>۱</sup> که در عنوان آنها «هویت قومی» به کار رفته و نتایج این مطالعات به صورت مقاله در فصلنامه‌هایی با رتبه علمی-پژوهشی در حوزه علوم اجتماعی و شاخه‌های مرتبط با آن در سه پایگاه اطلاعاتی مگ ایران<sup>۲</sup>، نورمگز<sup>۳</sup> و اس‌آ‌دی<sup>۴</sup> بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ نمایه شده و به چاپ رسیده‌اند که تعداد کل آنها ۴۲۳ مقاله و به عبارتی مطالعه است.

با توجه به اینکه از یک سو هدف پژوهش در تحقیقات کیفی مهم‌ترین عامل برای انتخاب نمونه است و از سوی دیگر این تحقیق از نوع توصیفی و تفسیری است و محققین به دنبال استنباط و تعمیم نتایج نبوده‌اند و تنها دستیابی به فهم و تفسیری از رابطه هویت ملی و قومی برایشان هدف بوده است، نحوه انتخاب نمونه‌های تحقیق به این صورت سازماندهی شده است که نخست مقاله‌های نمایه‌شده تکراری در این سه پایگاه که ۱۴۸ مقاله را شامل می‌شد، حذف شدند. در مرحله بعد، از بین ۲۷۵ مقاله باقیمانده، با توجه به سه معیار وجود نزدیکی عنوان مقاله به موضوع تحقیق، وجود الزامی اصطلاح «هویت قومی» در عنوان و نیز وجود هم‌زمان اصطلاحات «هویت ملی» و «هویت قومی» در کلیدواژه‌های تحقیق، در کنار توجه خاص به متغیر رسانه، اهداف و پیش‌فرض‌های تحقیق، ۲۰۶ مقاله دیگر نیز حذف شدند. در مرحله آخر، نویسندگان با توجه به تطابق موضوع مقالات با موضوع این تحقیق و نیز در دسترس بودن متن مقالات مورد نظر، از بین ۶۹ مقاله باقیمانده، ۵۰ مقاله را که بیشترین ارتباط با موضوع تحقیق داشتند انتخاب کردند.

<sup>۱</sup> مجلاتی که مقالات از آنها استخراج شده‌اند عبارتند از: فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوفصلنامه علوم اجتماعی، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، نشریه سیاست، فصلنامه مطالعات ملی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، نشریه انسان‌شناسی، نشریه مطالعات ملی، مطالعات جامعه‌شناختی، علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، نشریه مسائل اجتماعی ایران، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، مطالعات سیاسی، نشریه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، نشریه مطالعات امنیت اجتماعی، انتظام اجتماعی، نشریه مطالعات سیاسی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه خوارزمی)، مجله جامعه‌شناسی ایران و نشریه مطالعات جامعه‌شناسی.

<sup>۲</sup> www.magiran.com

<sup>۳</sup> www.noormags.ir

<sup>۴</sup> www.sid.ir

ابزار مورد استفاده در این تحقیق، چکلیست محقق ساخته در قالب یک جدول با ۲۲ متغیر بوده است. این چکلیست برحسب مطالعه چارچوب و ساختار کلی مقالات مورد بررسی و همچنین مطالعه تعداد زیادی از فراتحلیل‌های موجود در حوزه علوم اجتماعی، به‌ویژه در خصوص هویت و نیز در زمینه پاسخ‌گویی به سؤالات مدنظر محققین این مقاله نوشته شده است.<sup>۱</sup> به این صورت که چکلیست به چهار بخش اصلی تقسیم شده است که عبارتند از: اطلاعات عمومی مقاله با چهار زیر قسمت، بخش نظری با پنج زیر قسمت، بخش روش با هشت زیر قسمت و بخش یافته‌ها با پنج زیر قسمت.

### یافته‌ها

براساس موارد بیست‌ودوگانه مطرح شده در چکلیست جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق می‌توان یافته‌های مقالات مورد مطالعه را به شرح ذیل بیان کرد:

#### ۱) قومیت مورد مطالعه در مقالات

به‌طور کلی می‌توان اقوام مطالعه شده در مقالات را در یک دسته‌بندی کلی به دو دسته تقسیم کرد. اول مقالاتی که کلیه اقوام را با هم مورد بررسی قرار داده‌اند و هویت قومی را بدون در نظر گرفتن قومیتی خاص مطرح کرده‌اند و دسته دوم مقالاتی است که موضوع مورد مطالعه را در بین یک گروه قومی خاص مورد بررسی قرار داده‌اند.

جدول ۱. توزیع نسبی اقوام مورد مطالعه در تحقیق

ردیف	قومیت‌ها	f	درصد
۱	همه اقوام	۲۰	۴۰
۲	کرد	۱۰	۲۰
۳	عرب	۸	۱۶
۴	ترکمن	۱	۲
۵	بلوچ	۳	۶
۶	ترک	۵	۱۰
۷	لر	۲	۴
۸	ارمنی	۱	۲
	جمع کل	۵۰	۱۰۰

توزیع آماری اقوام مطالعه شده در نمونه‌های مورد بررسی در این تحقیق نشان می‌دهد که بین

<sup>۱</sup> در فراتحلیلی نیز که عبداللهی (۱۳۸۹) روی پنجاه مطالعه انجام داده است، ۲۲ متغیر برای تحلیل استخراج شده‌اند. هر چند تحقیق مذکور به صورت غیرمستقیم در شکل دادن چکلیست این مطالعه مؤثر بوده است، اما سؤالات مدنظر محققین و نیز ساختار کلی مقالات علمی و پژوهشی موجب بررسی این تعداد آیتم شده است. چکلیست مذکور در پیوست مقاله است.

اقوام مختلف، قوم کرد و عرب بیشترین مقاله‌ها را به خود اختصاص داده‌اند و مباحث مربوط به هویت قومی در بین آنها به صورت جدی‌تری پیگیری می‌شود. البته چرایی این امر مقوله مهمی است. به‌ویژه هنگامی که به بررسی رابطه مقولات اقتصادی و توسعه‌ای با پیگیری متغیرهایی چون محرومیت مورد مطالعه قرار می‌گیرند، این دو قوم فراوانی بیشتری را در بررسی‌ها به خود اختصاص می‌دهند. همچنین می‌توان سیاسی‌شدن حرکت‌ها و طرح خواسته‌ها در میان کردها و عرب‌ها (همچنین ترک‌ها و بلوچ‌ها) و همچنین گسترش این اقوام در کشورهای همسایه را دلیل توجه بیشتر به این اقوام در مطالعات دانست. این در حالی است که کمترین مطالعه بر روی لرها و ارامنه انجام شده است و به اقوام دیگری مانند تات‌ها، گیلک‌ها، بختیاری‌ها و مازنی‌ها اصلاً پرداخته نشده است.

## ۲) پرسش و مسئله اصلی تحقیق در مقالات

اکثر مقالات به برجسته‌شدن و سیاسی‌شدن قومیت پرداخته‌اند و فقط به صورت مختصر به شناخت ابعاد هویت قومی پرداخته‌اند. در واقع انگیزه آنها در پرداختن به هویت قومی، نه ارائه شناختی از یک قوم و بررسی مؤلفه‌ها و ویژگی‌ها بلکه بیشتر فعال‌شدن، سیاسی‌شدن و بحران‌آفرینی آن برای هویت ملی مسئله اصلی بوده است. در واقع مسئله تحقیق این مقالات برحسب بیشترین فراوانی حول چند محور کلی قابل دسته‌بندی است.

جدول ۲. توزیع نسبی پرسش و مسئله اصلی تحقیق در مقالات

درصد	پرسش و مسئله اصلی تحقیق در مقالات
۵۳/۲	رابطه بین هویت قومی و هویت ملی و مولفه‌های آن و نیز نسبت هویت ملی و قومی، شناخت سیاست قومی مناسب برای حفظ و تقویت هویت ملی و هم‌بستگی اجتماعی و نیز نقش سیاست‌های دولت مرکزی در آن.
۱۹/۱	فرایندهای جهانی‌شدن به‌ویژه تکرر رسانه‌ها و مصرف رسانه‌ای و نقش آنها در هویت‌یابی اقوام
۱۴/۹	رابطه بین هویت جمعی و قومی با انواع سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
۱۲/۸	رابطه محرومیت نسبی، تبعیض و توسعه‌نیافتگی در مناطق قومی با تقویت هویت قومی و در عین حال تضعیف هویت ملی و بحران هویت ملی و عوامل قومی تهدیدکننده آن.
۱۰۰	جمع کل

## ۳) موضوعات مرتبط با هویت قومی مطرح شده در مقالات

تقریباً در اکثر مقالات، جدا از بحث هویت قومی که موضوع و مسئله اصلی مورد مطالعه آنها بوده، بحث هویت ملی، بحران هویت ملی و نسبت بین هویت قومی و ملی نیز از موضوعات مهم و اصلی مورد توجه آنها بوده است، به طوری که می‌توان گفت اساساً هویت قومی را از دریچه مسئله هویت ملی بررسی کرده‌اند و نقش هویت قومی در بحرانی‌شدن هویت ملی و تأثیر آن بر تضعیف یا تقویت هویت ملی در کانون توجه آنها بوده است. تأثیر سطح توسعه‌نیافتگی مناطق قومی و احساس محرومیت نسبی به‌ویژه در بُعد اقتصادی و تبعیض اجتماعی، سیاسی و

اقتصادی و همچنین تأثیر جهانی شدن و پیدایش رسانه‌های برون مرزی قومی و مصرف رسانه‌ای از مهم‌ترین موضوعاتی بوده‌اند که نویسندگان مقالات به آن پرداخته‌اند.<sup>۱</sup>

#### ۴) نسبت هویت ملی و قومی

اکثر نوشته‌هایی که راجع به هویت قومی نگاشته شده‌اند، هویت قومی را در ارتباط با هویت ملی مورد بررسی قرار داده و به‌عنوان آسیب‌شناسی هویت ملی و از دریچه بحرانی کردن هویت ملی تحلیل کرده‌اند. در مقاله‌های مورد بررسی این پژوهش نیز تنها هفت مقاله به این نسبت و رابطه نپرداخته‌اند و یک مورد نیز رابطه معناداری بین آنها مشاهده نکرده است. درحالی‌که ۸۴ درصد نویسندگان به این موضوع اهمیت داده و به آن پرداخته‌اند که در این میان، ۳۰ درصد مقالات (۱۵ مقاله) به این نتیجه رسیده‌اند که بین این دو منبع هویتی رابطه منفی و ناسازگاری وجود دارد و تقویت هویت قومی باعث تضعیف هویت ملی و بحرانی شدن آن می‌شود.

جدول ۳. توزیع نسبی رابطه هویت ملی و قومی

رابطه هویت ملی و قومی	f	درصد
ناسازگاری	۱۵	۳۰
همسازي	۲۰	۴۰
بسته به سیاست قومی دولت	۷	۱۴
رابطه‌ای ندارند	۷	۱۴
به این موضوع نپرداخته	۱	۲
جمع	۵۰	۱۰۰

#### ۵) نقش رسانه در هویت قومی

بررسی دیدگاه محققان نسبت به نقش رسانه‌ها در هویت قومی در این فراتحلیل مشخصاً مورد توجه قرار گرفت. همان‌طور که جدول (۴) نشان می‌دهد ۴۸ درصد نویسندگان معتقدند رسانه‌ها باعث تقویت هویت قومی، رشد هویت‌ها و فرهنگ‌های قومی، تقویت آگاهی قومی، تحریک مطالبات قومی و قوم‌گرایی می‌شود. در واقع چون رسانه‌ها را در چارچوب جهانی شدن مورد توجه قرار می‌دهند می‌توان گفت از دید آنها جهانی شدن به‌واسطه اینکه امکان طرح هویت‌های فروملی مانند قومیت‌ها را فراهم ساخته و باعث هویت‌یابی و خروج آنها از انزوا شده است، باعث تقویت هویت‌های قومی شده است. درحالی‌که تنها یک مورد معتقد بوده که رسانه‌ها و فرایندهای جهانی شدن باعث نابودی هویت‌های قومی می‌شود. درعین حال، ۱۲ درصد مقالات رسانه‌ها را بسته به نوع آن تقویت‌کننده یا تضعیف‌کننده هویت قومی می‌دانند؛ به این صورت

<sup>۱</sup> با توجه به اینکه توزیع نسبی موضوعات مرتبط با هویت قومی در مقاله‌های بررسی‌شده مطابق با داده‌های جدول (۲) این مقاله است، از بیان آماری مجدد آنها خودداری شده است.



#### فرا تحلیل مقالات مرتبط با رابطه هویت قومی و هویت ملی در ایران

که رسانه‌های داخلی و ملی باعث تقویت هویت ملی و رسانه‌های برون مرزی باعث تقویت هویت قومی می‌شوند. در دسته‌بندی دیگر یافته‌ها نشان داد رسانه‌های الکترونیکی و اینترنت با هویت ملی رابطه منفی دارند و درعین حال باعث تقویت هویت قومی می‌شوند و رسانه‌های دیداری و شنیداری مثل رادیو و تلویزیون نیز با هویت ملی رابطه مثبت و با هویت قومی رابطه منفی دارند.

جدول ۴. توزیع نسبی ارتباط رسانه‌ها با هویت ملی و قومی

ردیف	نقش رسانه در هویت قومی	f	درصد
۱	نپرداخته است/ بدون رابطه	۱۹	۳۸
۲	تقویت هویت قومی	۲۴	۴۸
۳	بسته به نوع رسانه	۶	۱۲
۴	نابودی هویت قومی	۱	۲
جمع		۵۰	۱۰۰

#### ۶) تبیین هویت قومی

نویسندگان مقالات عوامل متعددی را درخصوص چرایی برجسته‌شدن مسئله هویت قومی بیان کرده‌اند که در اینجا فقط مهم‌ترین علل منعکس می‌شوند. در این پنجاه مقاله، هفت مقاله جنبه کاملاً توصیفی داشته‌اند و تبیینی از این موضوع ارائه نکرده‌اند. در سایر مقالات به ترتیب عواملی مانند جهانی‌شدن و رسانه‌ها، سیاست‌های قومی دولت، رشد ناسیونالیسم قومی (در اثر استقلال کشورهای مختلف، فروپاشی شوروی و رشد استقلال‌طلبی در جهان)، احساس محرومیت نسبی به‌ویژه در بعد اقتصادی و تبعیض، تحریک و بسیج توسط نخبگان و استفاده‌های ابزاری از آن، واقعیت وجود تفاوت‌های قومی (زبان، فرهنگ، مذهب) و تحولات اجتماعی و فرهنگی که در جهان رخ داده است، مهم‌ترین عواملی هستند که در این مقاله‌ها برای تبیین و چرایی برجسته‌شدن و تقویت هویت قومی در ایران ذکر شده‌اند.

#### ۷) مؤلفه‌های هویت قومی

هر یک از مقالات چندین مؤلفه را به‌عنوان سازنده هویت قومی بیان داشته‌اند. عواملی مانند زبان، فرهنگ و آداب‌ورسوم مشترک، موسیقی و ادبیات، سرزمین، تاریخ و حافظه تاریخی، احساس تعلق قومی، خودآگاهی قومی، نمادها و اسطوره و پیشینه مشترک به‌عنوان مهم‌ترین عوامل و مؤلفه‌های سازنده قومیت ذکر شده‌اند. در واقع تمام منابع و مؤلفه‌هایی که می‌توانند سازنده یک ملت باشند، به‌جز حق حاکمیت سیاسی و حاکمیت بر سرزمین، به‌عنوان مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت قومی برشمرده شده‌اند.

### ۸) مبانی نظری مقاله‌های مورد تحلیل

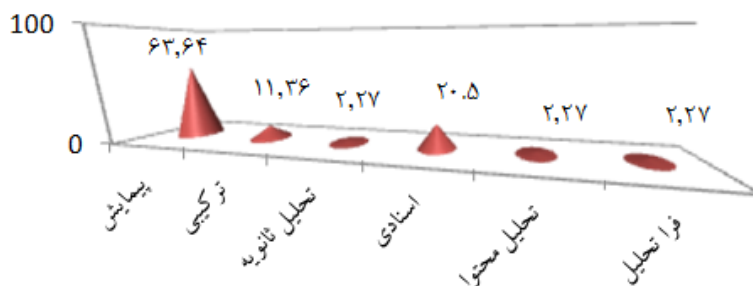
نویسندگان مقالات از آنچه تحت عنوان مبانی نظری یا چارچوب نظری در مقاله‌های خود مطرح کرده‌اند، معانی متفاوتی منظورشان بوده است. یافته‌ها نشان داد تعداد ۱۰ درصد مقالات اصلاً چیزی تحت این عنوان ندارند. در بقیه مقالات، تنها ۳۲ درصد دارای چارچوب نظری مشخص هستند که مبنای کار تحقیق آنها بوده است و ۶ درصد علاوه بر چارچوب نظری مشخص دارای مدل تحلیلی نیز بوده‌اند. این در حالی است که ۳۶ درصد مقالات در بخش مبانی نظری، بدون تدوین و مبنا قراردادن یک چارچوب نظری مشخص تنها به مرور و معرفی نظریات مختلف درباره هویت و هویت قومی پرداخته‌اند و ۱۶ درصد مقالات نیز در بخش مبانی نظری، فقط به مرور و تعریف مفاهیم مرتبط مانند هویت، هویت قومی و هویت ملی پرداخته‌اند.

جدول ۵. توزیع نسبی وضعیت مبانی نظری مقاله‌های تحقیق

ردیف	وضعیت مبانی نظری	f	درصد
۱	چارچوب نظری مشخص	۱۶	۳۲
۲	مرور نظریات بدون چارچوب نظری	۱۸	۳۶
۳	فقط تعریف مفاهیم	۸	۱۶
۴	چارچوب نظری و مدل نظری	۳	۶
۵	فاقد بخش مبانی نظری	۵	۱۰
	جمع	۵۰	۱۰۰

### ۹) تحلیل روش‌شناسی مقاله‌های مورد بررسی

در بخش روش‌شناسی تحقیقات انجام‌شده، با توجه به بدنه پوزیتویست‌گرای دانشگاه‌های ایران در رشته جامعه‌شناسی، آنچه خودنمایی می‌کند غلبه روش‌های کمی‌گرایانه در انجام تحقیقات است. چنانکه شکل (۱) نشان می‌دهد، روش‌های کمی تحقیق با غلبه روش پیمایش (۶۳/۶ درصد) بیشترین فراوانی را داشته و به دنبال آن پرسش‌نامه نیز پرکاربردترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات را تشکیل می‌دهد.



شکل ۱. نمودار توزیع نسبی روش تحقیق مقاله‌ها

منظور از روش ترکیبی در این نمودار به کارگیری همزمان بیش از یک روش خاص در تحقیق است. برای مثال، محقق با استفاده از پیمایش و تحلیل اسنادی و تحلیل ثانویه به صورت همزمان داده‌های خود را جمع‌آوری و تحلیل کرده است. در روش کمی مورد استفاده نیز با توجه به اینکه روش پیمایش بیشترین نسبت را داشته است، ۹۲ درصد از ابزار جمع‌آوری اطلاعات را پرسش‌نامه تشکیل داده است. استفاده از داده‌های موجود و تحلیل ثانویه آنها و نیز استفاده از چک‌لیست (پرسش‌نامه معکوس) نیز هر کدام به ترتیب ۴ درصد ابزارها را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به اهمیت نمونه و روش نمونه‌گیری در تحقیقات کمی باید اشاره کرد که در دو مورد از مقاله‌های با روش کمی اصلاً ذکری از روش نمونه‌گیری به میان نیامده است. سایر روش‌های نمونه‌گیری به شرح جدول (۶) است.

جدول ۶. توزیع فراوانی شیوه نمونه‌گیری مقاله‌های تحقیق

ردیف	شیوه نمونه‌گیری	f	درصد
۱	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	۱۶	۵۱/۶
۲	تصادفی متناسب با طبقه	۶	۱۹/۴
۳	تصادفی ساده	۵	۱۶/۲
۴	احتمالی سیستماتیک	۲	۶/۴
۵	سهمیه‌ای	۲	۶/۴
	کل	۳۱	۱۰۰

در دو مورد از مقاله‌ها، نویسندگان فقط به ذکر این نکته که شیوه نمونه‌گیری احتمالی و به صورت تصادفی سیستماتیک است، بسنده کرده است. دلیل فراوانی زیاد نمونه‌گیری خوشه‌ای را تنها می‌توان در گسترده‌بودن و پراکندگی جامعه آماری تحقیقات دانست. چنانکه با بررسی جامعه آماری تحقیقات مشخص شد که تعداد زیادی از آنها موضوع مورد مطالعه خود را در یک شهر عمدتاً بزرگ یا در چندین شهر اجرا کرده‌اند.

در مورد شیوه نمونه‌گیری نیز در بین تحقیقاتی که با روش کمی انجام شده‌اند، ۹۳/۹ درصد محققین شیوه‌های احتمالی نمونه‌گیری را به کار گرفته‌اند. نکته قابل توجه دیگری که در همین جا خودنمایی می‌کند ضعف روشی برخی مقاله‌هاست که به دلایل مختلف از دید داوران پنهان مانده است. برای مثال، در دو مورد از مقاله‌ها شیوه نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک مطرح شده است. این شیوه نمونه‌گیری مستلزم شناخت دقیق و دسترسی به اعضای جامعه آماری است. با توجه به جامعه آماری این مقالات با قطعیت می‌توان حکم کرد که فراهم کردن چنین شرایطی امکان ندارد و محقق تنها به اشتباه چنین روشی را به عنوان روش نمونه‌گیری بیان می‌کند.

دسته دیگری از مقاله‌ها که با روش‌های غیرکمی و به تعبیری با روش کیفی نگاشته شده‌اند، انواع زیر را شامل می‌شوند:<sup>۱</sup>

۱. کتابخانه‌ای (اسنادی): ۹ مورد

۲. تحلیل محتوا: ۱ مورد

۳. فراتحلیل: ۱ مورد

۴. کیفی: ۲ مورد

۵. ترکیبی شامل مصاحبه و مشاهده: ۴۲ مورد

نقطه ضعفی که در بین تحقیقات با شیوه کیفی به‌وفور قابل مشاهده است، عدم تعیین شیوه نمونه‌گیری در این تحقیقات است. به این صورت که تنها در دو مورد از آنها بیان شده است که روش نمونه‌گیری هدفمند بوده است و در سایر تحقیقات، علی‌رغم اهمیت شیوه نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی، اصلاً به این مقوله توجهی نشده است. شیوه نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی نشان می‌دهد که استانداردهای لازم برای انجام تحقیق کیفی رعایت نشده است. ضمن اینکه حجم نمونه‌های مورد مطالعه نیز به‌دقت مشخص نیست. غیر از یک مورد دوازده نفره که به شیوه هدفمند انتخاب شده بودند، نمی‌توان اطلاعات دقیقی پیرامون حجم نمونه در این مقالات پیدا کرد.

براساس اطلاعات استخراج‌شده از شیوه نمونه‌گیری و تعداد نمونه می‌توان چنین قضاوت کرد که هرچند در مقالات با روش‌های کمی ایرادات قابل توجهی وجود دارد، نسبت به مقالاتی که روش کیفی را برگزیده‌اند قاعده‌مندتر عمل کرده‌اند، لذا می‌توان بیشتر به آنها و یافته‌هایشان اعتماد کرد.

### ۱۰- فرضیه‌های مطرح‌شده در تحقیقات مورد مطالعه

با توجه به اهمیتی که فرضیه‌های هر تحقیق در پیشبرد فرآیند تحقیق و پاسخ به سؤالات و موضوع مورد مطالعه دارند، در اینجا ترکیب کلی فرضیه‌های مطرح‌شده در مقالات مورد بررسی ارائه می‌شود. مقالاتی که با روش‌های کیفی و غیرپیمایشی انجام شده‌اند با توجه به ماهیت روش تحقیق به‌کاررفته فرضیه نداشتند و تنها سؤالات تحقیق را ارائه کرده‌اند. شایان ذکر است که ۴/۲۵ درصد از مقاله‌ها هیچ سؤال یا فرضیه‌ای برای تحقیق خود بیان نکرده‌اند. سؤال اصلی تحقیق حاضر یعنی رابطه هویت قومی با سایر ابعاد هویت نظیر هویت ملی، هویت جهانی، دینی و مؤلفه‌های آنها سؤالی بوده است که بسیاری از تحقیقات را به خود

<sup>۱</sup> دسته‌بندی ارائه‌شده براساس روش‌های معرفی‌شده از سوی نویسندگان مقالات است.

<sup>۲</sup> چنانکه پیداست، محققین در بیان روش تحقیق مقاله ابزار جمع‌آوری اطلاعات را با روش یکسان پنداشته‌اند.

مشغول کرده است. در مجموع می‌توان گفت که ۵۳/۲ درصد مقالات با طرح چنین سوالاتی تحقیق خود را دنبال کرده‌اند.

در بخش تحلیل یافته‌های این تحقیق، تأثیر رسانه بر هویت ملی و قومی اقوام به تفصیل بیان شد. بر همین اساس، با بررسی فرضیه‌ها و سؤالات تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که ۱۹/۱ درصد مقالات با طرح مفروضاتی پیرامون رسانه، نظیر ساعات استفاده، محتوا و نوع برنامه‌های مورد استفاده و نیز فناوری رسانه به بررسی موضوع مورد مطالعه‌شان پرداخته‌اند و به اتفاق به این نتیجه رسیده‌اند که رسانه یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رابطه این دو بُعد هویتی ایرانیان است.

از بین مقالات پیمایشی و نیز تحلیل‌های ثانویه نیز چنین مشخص می‌شود که مقالاتی که به نوعی مفاهیم اقتصادی نظیر سرمایه اقتصادی، توسعه‌یافتگی و طبقه اقتصادی را به عنوان متغیرهای اثرگذار بر هویت ملی و قومی بررسی کرده‌اند، ۱۴/۸ درصد مقالات را تشکیل می‌دهند. همچنین فرضیه‌های مبتنی بر تعاملات اجتماعی اقوام و به تعبیری سرمایه اجتماعی و روابط میان اقوام و تأثیر آن بر نوع رابطه هویت قومی و ملی، ۱۰/۶ درصد فرضیه‌ها را تشکیل داده است. اثرات جهانی‌شدن و تبعات آن نیز مقوله دیگری است که ۱۰/۶ درصد مقاله‌ها به صورت فرضیه یا سؤال تحقیق به آن پرداخته‌اند. مسائل سیاسی نظیر جایگاه قدرت، تلقی نظام سیاسی از اقوام، مشارکت سیاسی شهروندان، ادغام اجتماعی، همانندسازی اقوام، گرایش به خودمختاری اقوام، حق تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی و نیز رضایت از اوضاع سیاسی، ۱۲/۷ درصد از فرضیه‌ها و سؤالات تحقیق را به خود معطوف کرده است.

محرومیت و احساس تبعیض و نابرابری به عنوان متغیری بسیار مهم به ویژه در بین اقوام عرب و کرد عاملی فرضیه‌ساز در تحقیقات بوده است؛ به نحوی که ۱۲/۷ درصد مقالات به آن پرداخته‌اند. سایر فرضیه‌ها و سؤالات تحقیقی نیز که در مقاله‌ها مطرح شده‌اند، به دلیل اینکه در سایر مقالات تکرار نشده‌اند از ذکر آنها خودداری شده است.

### ۱۱) تحلیل یافته‌های مقالات مورد بررسی

از بین مقالات بررسی شده، ۱۴ درصد مقالاتی که تمامی اقوام را با هم بررسی کرده‌اند مشخصاً عنوان کرده‌اند که ایرانیان هم هویت قومی و هم هویت ملی بالایی دارند و در برخی مقالات که هویت ایرانی و اسلامی نیز مورد بررسی قرار گرفته است، می‌توان مشاهده کرد که همین وضعیت برقرار است. به طور واضح‌تر می‌توان چنین قضاوت کرد که نظریه تکرر منابع هویتی در ایران صادق است؛ به این معنا که ایرانیان هویت‌های چندگانه‌ای دارند و در آنها عناصر هویت‌ساز قومی، ملی، دینی، جنسی و... به صورت هماهنگ با هم حضور دارند. همچنین رابطه هویت قومی و ملی نوعی رابطه تقویت‌کننده و سازگارانه بوده است؛ هویت ملی در ایران فراقومی است و احساس تعلق به هویت قومی و ملی در کلیت اقوام ایرانی بالاست. به صورت

جزئی نیز می‌توان چنین ادعا کرد که لرها، ترک‌ها، ترکمن‌ها، ارامنه و تا حدی بلوچ‌ها، علاوه بر اینکه دارای هویت قومی قوی هستند، گرایش به هویت ملی بالایی را هم تجربه می‌کنند. اما در بین اقوام کرد و عرب شرایط به گونه دیگری است. اکثر تحقیقات انجام شده در این زمینه گویای این هستند که میانگین سطح هویت قومی، در بین اقوام مذکور بالاتر از هویت ملی است و جامعه‌پذیری قومی در بین این اقوام با جدیت بیشتری دنبال می‌شود. و این به معنای ضعیف‌تر بودن هویت ملی نسبت به هویت قومی در بین آنهاست. البته این به معنای مخالفت یا تعارض عناصر هویت قومی کردها و عرب‌ها با هویت ملی نیست و حتی برعکس براساس یافته‌های برخی تحقیقات بین هویت قومی و ملی این اقوام در ابعاد اجتماعی و فرهنگی رابطه مثبتی وجود دارد؛ اما این رابطه در بعد سیاسی به صورت منفی درمی‌آید. به این معنا که در بین این دو قوم، مؤلفه‌ها و عناصر هویت ملی جایگاه مناسبی دارند، به جز عنصر دولت. چنانکه احساس تعلق نسبت به این عنصر پایین‌تر از سایر عناصر هویت‌ساز ملی است. سطح توسعه‌یافتگی مناطق که حدود ۸ درصد مقالات به آن پرداخته‌اند، موضوع قابل توجه دیگر در این میان است. به‌طورکلی مقالات نشان دادند که بین میزان سطح توسعه و شاخص‌های آن در مناطق و هویت ملی و همچنین هویت قومی رابطه وجود دارد. درخصوص هویت ملی، سطح توسعه بالا احساس تعلق به هویت ملی و قومی بالاتری را به همراه دارد و برعکس. در بین قوم کرد و عرب این رابطه به صورت منفی دیده می‌شود. چنانکه هرچه سطح توسعه‌نیافتگی مناطق محل سکونت این اقوام بالاتر باشد، میزان پایبندی به هویت قومی شدیدتر و گرایش به هویت ملی ضعیف‌تر می‌شود. در این زمینه نکته قابل توجه دیگر نیز این است که تنها این مقوله را می‌توان در بین مقالاتی مشاهده کرد که درخصوص قوم عرب و به‌ویژه کرد نوشته شده‌اند.

احساسات ذهنی مرتبط با محرومیت، نابرابری و تبعیض مقوله دیگری است که در ۲۷/۶ درصد مقالات به‌ویژه مقالاتی که یک گروه قومی خاص را بررسی کرده‌اند، مورد توجه قرار گرفته‌اند. این مقوله‌ها را با قطعیت بیشتری می‌توان در مقالاتی دنبال کرد که درخصوص قوم کرد و عرب و تاحدودی قوم بلوچ نوشته شده است. در تمامی این مقالات هویت قومی قوی‌تر از هویت ملی برآورد شده‌اند.

هرچند مباحث مربوط به توسعه، محرومیت و نابرابری تا حد زیادی با وضعیت اقتصادی افراد و اقوام ارتباط دارند، به صورت کاملاً مشخص می‌توان گفت که با توجه به یافته‌های مقالاتی که به این موضوع پرداخته‌اند وضعیت اقتصادی افراد ارتباط نزدیکی با احساس هویت قومی و ملی آنها دارد. چنانکه وضعیت اقتصادی مناسب احساس هویت ملی قوی‌تری را به همراه دارد، ولی این روند درخصوص هویت قومی به این صورت عمل نمی‌کند. به این معنا که وضعیت خوب اقتصادی ارتباط مستقیم با هویت قومی ندارد و با بالا رفتن سطح وضعیت

اقتصادی هویت قومی شدیدتر نمی‌شود، ولی سطح اقتصادی ضعیف‌تر و پایین‌تر، احساس هویت قومی بالاتر و به دنبال آن احساس هویت ملی ضعیف‌تری را به همراه دارد.

متغیر طبقه اقتصادی و اجتماعی افراد نیز دقیقاً به همین صورت عمل می‌کند؛ یعنی اینکه افراد منتسب به طبقات اجتماعی پایین‌تر احساس هویت قومی قوی‌تری دارند و کسانی که از طبقات بالاتر اجتماعی و اقتصادی هستند احساس هویت ملی بالاتری دارند، ضمن اینکه پابندی‌های هویت قومی خود را نیز دارا هستند.

در بین متغیرهای زمینه‌ای دیگر، اکثر تحقیقات نشان‌دهنده عدم تفاوت معنادار بین زنان و مردان در زمینه هویت ملی هستند، اما در خصوص هویت قومی زنان میانگین بالاتری را به خود اختصاص می‌دهند. تحصیلات نیز متغیر اثرگذار دیگری است. چنانکه سطح تحصیلات رابطه مستقیمی با هویت ملی افراد دارد. البته این وضعیت بین دو قوم کرد و عرب متفاوت است. می‌توان این وضعیت را به بالاتر رفتن سطح انتظارات تحصیل‌کردگان این اقوام از یک سو و از سوی دیگر به احساس ذهنی نابرابری، محرومیت و تبعیض از طرف این دسته از هم‌وطنان منتسب کرد. در مجموع، تحصیل‌کردگان کرد و عرب در مقالات مورد بررسی هویت قومی قوی‌تری نسبت به هویت ملی دارند.

عامل اثرگذار دیگر در مسئله هویت قومی در بین اقوام ایرانی، میزان و نحوه استفاده از رسانه است. بررسی مقالات نشان می‌دهد کسانی که از رسانه‌های دیداری صداوسیما رسمی ایران استفاده می‌کنند در مجموع هویت ملی بالاتری دارند و برعکس، کسانی که از رسانه‌های دیداری غیر از این استفاده می‌کنند هویت ملی پایین‌تری دارند، به‌ویژه اگر از رسانه‌های خارجی که به زبان قومی خاصی برنامه پخش می‌کنند استفاده شود، اعضای آن قوم میزان هویت قومی بسیار بالاتری از هویت ملی پیدا می‌کنند و رابطه هویت قومی و ملی نیز در ناسازگاری قرار می‌گیرد. در عین حال، استفاده از رسانه‌های دیجیتالی امروزی که مبتنی بر ارتباطات ماهواره‌ای و اینترنتی هستند، در زمینه هویت قومی و جهانی یکسان عمل می‌کنند. چنانکه استفاده‌کنندگان این‌گونه وسایل، هویت جهانی و قومی بالاتری نسبت به هویت ملی و دینی دارند.

البته در خصوص جهانی‌شدن نمی‌توان یافته‌های تحقیقات مورد بررسی را با قطعیت خاصی بیان کرد، چراکه نتایج متناقض در آن به‌وفور دیده می‌شود. برخی مقالات نتیجه گرفته‌اند که جهانی‌شدن هویت ملی را ضعیف و هویت قومی را قوی‌تر می‌کند و در تحقیقات دیگری نتیجه‌ای عکس آن حاصل شده است و بیان شده که جهانی‌شدن جایگاه هویت ملی را مستحکم‌تر از هویت قومی می‌کند و لزوماً به رشد گسترده هویت قومی نمی‌انجامد. این در حالی است که در حال حاضر هویت جهانی سطح پایین‌تری نسبت به هویت ملی و قومی در بین ایرانیان دارد. ضمن اینکه بین هویت جهانی و اسلامی رابطه‌ای منفی گزارش شده است.

سرمایه اجتماعی مقوله دیگری است که در برخی تحقیقات تأثیر آن بر رابطه بین هویت ملی و قومی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این‌گونه مقالات در کل نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت بین سرمایه اجتماعی و هویت است و به‌طور کلی سرمایه اجتماعی تأثیر مثبت بر هویت ملی و تأثیری منفی بر هویت قومی دارد. اما با کمی دقت مشخص می‌شود که سرمایه اجتماعی به‌طور گوناگون در این رابطه مؤثر است. چنانکه اقوامی که سرمایه اجتماعی قومی بالاتری دارند و بیشتر تعاملات آنها با قوم خودشان صورت می‌گیرد هویت قومی بالاتری نسبت به هویت ملی دارند و برعکس، داشتن سرمایه اجتماعی گسترده و تعاملات با سایر اقوام هویت قومی را در مقابل هویت ملی ضعیف‌تر می‌کند. این امر کاملاً طبیعی است؛ چراکه تحقیقات انجام‌شده در خصوص سرمایه اجتماعی به‌وفور نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی درون‌گروهی رابطه‌ای معکوس با سرمایه اجتماعی برون‌گروهی دارد.

از دیگر متغیرهایی که حداقل در دوازده مورد از مقاله‌های مورد بررسی نشان داده‌اند که در تعیین نوع رابطه هویت ملی و هویت قومی اثرگذار است، میزان بهره‌مندی یا تصور ذهنی اعضای گروه قومی از برخورداری از حقوق اجتماعی و به‌ویژه حقوق شهروندی است. پذیرش اقوام، تکثرگرایی قومی، داشتن آزادی‌های زبانی، استفاده از زبان‌های قومی، آزادی مذهبی، مشارکت‌داشتن در امور اجتماعی و فرهنگی جامعه، گسترش جامعه مدنی، عدم اجبار به همانندشدن اقوام و ایجاد شرایط برای همکاری اقوام از مؤلفه‌های این حقوق است که بعضاً در کنار یکدیگر در برخی مقاله‌ها مطرح شده‌اند. به‌مانند شرایط توسعه‌یافتگی یا احساس نابرابری و تبعیض این مقوله‌ها نیز بیشتر در مقالاتی به چشم می‌خورند که پیرامون هویت قومی و ملی اقوام کرد و عرب نگاشته شده‌اند.

حقوق سیاسی نظیر حق تعیین سرنوشت، مشارکت در انتخابات، حق پیگیری مطالبات از طرق مسالمت‌آمیز، عدم برخورد سیاسی و ایدئولوژیک دولت با اقوام نیز توجه ۶ درصد مقالات را به خود معطوف کرده است. باز هم در این میان مقالات قومی عرب و کرد بیشتر به طرح چنین مسائلی پرداخته‌اند.

در کنار موارد فوق که با فراوانی‌های مختلف در مقالات تکرار شده‌اند، جایگاه نیروهای خارجی و نخبگان به‌عنوان عوامل اثرگذار در رابطه هویت قومی و ملی قابل توجه است. به این صورت که عمدتاً به این مقولات پرداخته نشده است و در معدود مقالاتی هم که به این عوامل توجه شده است قوم بلوچ و ترکمن مورد مطالعه بوده‌اند. نتایج این تحقیقات نیز اثر نخبگان یا به نوعی تئوری تأثیر نخبگان را رد کرده و مؤلفه نیروهای خارجی نیز تنها در برخی تحقیقاتی که جنبه اسنادی و کتابخانه‌ای داشته‌اند (برای مثال، رضایی و همکاران، ۱۳۸۶) مطرح و بررسی شده‌اند.



## ۱۲) تحلیل راهکارهای بیان شده در مقالات

از بین پنجاه مقاله مورد مطالعه و تحلیل شده در این تحقیق، هجده مقاله (۳۶ درصد) به طور کلی راهکاری ارائه نکرده‌اند و مابقی نیز فقط به ذکر راهکارهای کلی اکتفا نموده و تلاشی برای ارائه راهکارهای عملیاتی نکرده‌اند. با این وصف می‌توان چنین ادامه داد که در مقالات مختلف با توجه به موضوع مورد مطالعه و اهداف و متغیرهای به کار گرفته شده راهکارهای زیر پیشنهاد شده است:

در نه مقاله (۱۸ درصد) کاهش نابرابری‌های اقتصادی، از بین بردن محرومیت و تبعیض و توزیع عادلانه فرصت‌ها و ثروت به عنوان راهکارهای افزایش سازگاری هویت ملی و قومی مطرح شده‌اند. اعطا و تکریم حقوق شهروندی در قالب مجموعه‌ای از راهکارها نظیر پذیرش اقوام، به رسمیت شناختن اقوام در زمینه زبان و فرهنگ، افزایش زمینه‌های مشارکت اجتماعی اقوام، حفظ آداب و رسوم قومی، احترام عملی به اعتقادات به ویژه اهل سنت، احترام به فرهنگ قومی و آموزش زبان مادری راهکارهایی هستند که در ۲۱ درصد مقالات به شیوه‌های گوناگون مطرح شده‌اند.

در زمینه حقوق سیاسی نیز ۲۵/۵ درصد مقالات مواردی مثل پذیرش تکثرگرایی قومی و جلوگیری از سیاست اقتدارگرایی تمرکز، نفی همانندسازی قومی، مشارکت دادن اقوام در بدنه قدرت و نداشتن نگاه سیاسی و امنیتی در مسئله اقوام را راهکارهای سازگاری بیشتر هویت ملی و قومی دانسته‌اند. برخی از نویسندگان نیز راهکارهایی مثل آگاهی بخشی هویتی توسط ترجمان‌های دولتی و از کانال‌هایی نظیر طرح آن در کتب درسی و ایجاد زمینه تساهل و گفت‌وگو را به عنوان راهکارهای هماهنگ‌سازی هویت ملی و قومی بیان کرده‌اند.

توجه به مسائل فرهنگی و اقتصادی و رفع محرومیت‌ها و تبعیض‌های اجتماعی به جای رویکرد سیاسی و امنیتی، تعریف فراگیر از هویت ایرانی، نیرومند کردن فرهنگ یگانه ایرانی، توجه هم‌زمان به هویت ملی و قومی و تغییر شکاف بین دولت و قومیت‌ها از دیگر راهکارهایی است که به طور پراکنده در تحقیقات مختلف ذکر شده‌اند.

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که به طور کلی بیشتر فراتحلیل‌ها نشان از غلبه روش پیمایش در تحقیقات انجام شده دارند. نتایج انتقادی فراتحلیل‌ها نشان از ضعف نظری و روشی پژوهش‌های صورت گرفته است. فقر نظری و مرور نظریه‌ها به جای تدوین چارچوب نظری مشخص، چارچوب‌های نظری متناقض، فقدان یا ضعف ارائه تحلیل جامعه‌شناختی، عدم سنجش مدل نظری و همچنین استخراج نکردن مدل نظری از دل پژوهش، فقدان پیشینه تحقیق یا پرداختن جزئی و ناقص به آن و اشکالات روشی بسیار مانند ضعیف، مغلق، آزمون‌ناپذیری یا بدیهی بودن فرضیه‌ها، نپرداختن به اعتبار و پایایی، عدم انسجام بخش‌های تحقیق و نداشتن ساختمان

معتبر و منطقی، ارائه راهکارهای بدیهی و بی‌نیاز از پژوهش یا غیرعملی و خارج از حیطه تحقیق از ضعف‌های عمده تحقیقات صورت‌گرفته است که عبداللهی (۱۳۸۹)، صدیق سروستانی (۱۳۷۹)، ازکیا (۱۳۸۵) و کریمی و همکاران (۱۳۹۱) به آنها اشاره کرده‌اند. نتایج فراتحلیل حاضر نیز همین وضعیت را تأیید می‌کند بطوری که تنها ۳۲ درصد تحقیقات چارچوب نظری مشخصی داشته‌اند و ۳۶ درصد تنها به مرور نظریه‌ها پرداخته‌اند.

کریمی و همکاران (۱۳۹۱) به ابعاد و سطوح چهارگانه هویت (جهانی، ملی، فروملی و اجتماعی) پرداخته‌اند. به نظر آنها هویت مردم ایران ترکیبی است و بحران هویت عامل اصلی پرداختن به هویت به‌ویژه هویت ملی است. عبداللهی (۱۳۸۹) نیز به این نتیجه رسیده است که بحران هویت ملی در وضعیت کنونی مبنای طرح مسئله و توجیه ضرورت و اهمیت تحقیق در بیشتر مطالعات است. نتایج این فراتحلیل نیز مؤید این امر است.

جعفرزاده و حیدری (۱۳۹۳) در فراتحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی، نشان داده‌اند که ۳۰/۲ درصد کارهای مورد بررسی رابطه هویت ملی و قومی را معکوس و واگرا نشان داده‌اند و ۱۵/۲ درصد نیز مستقیم و مثبت گزارش کرده‌اند. براساس یافته‌های این پژوهش رابطه هویت قومی و ملی نوعی رابطه تقویت‌کننده و سازگارانه است. اما در بین اقوام کرد و عرب این قضیه کمی متفاوت است. به‌طور کلی براساس این فراتحلیل، در ۳۰ درصد پژوهش‌ها بین این دو سطح هویت ناهمسازی و در ۴۰ درصد نیز همسازی گزارش شده است. اکثر تحقیقات نشان دادند که میانگین سطح هویت قومی در بین اقوام مذکور بالاتر از هویت ملی است. در مقایسه با کار کریمی (۱۳۹۱)، عبداللهی (۱۳۸۹)، جعفرزاده و حیدری (۱۳۹۳) که به فراتحلیل هویت پرداخته‌اند، این پژوهش نقش رسانه در برساخت هویت را نیز بررسی کرده است و نتیجه این بررسی نشان داد که ۴۸ درصد پژوهش‌های مورد مطالعه رسانه را در برساخت هویت قومی و تقویت آن مؤثر دانسته‌اند. می‌توان گفت نویسندگان این مقالات، رابطه‌ای علی بین جهانی‌شدن، تکثر و تنوع رسانه‌ای و رشد هویت قومی را پیش‌فرض گرفته‌اند. درحالی‌که جهانی‌شدن باعث ایجاد روندها و نتایج متضاد می‌شود. جهانی‌شدن همان‌طور که هویت ملی را متأثر می‌سازد، هویت‌های قومی را نیز با شدت بیشتری متأثر می‌سازد و می‌تواند نتایج ویرانگر و فرساینده‌ای بر آن داشته باشد. اما نگاه غالب در مطالعات هویت قومی، جهانی‌شدن را عامل رشد آگاهی قومی و تقویت هویت قومی قلمداد کرده‌اند، درحالی‌که رسانه‌ها و مصرف رسانه‌ای به دلیل تبلیغ فرهنگ جهانی و فرهنگ توده‌ای و صنعت یکسان‌سازی و در عین حال به دلیل نبود هیچ حمایت نهادین و دولتی، هویت‌های قومی را بسیار بیشتر از هویت‌های ملی در معرض تضعیف و بحران قرار می‌دهند. با این وجود، در مقالات بررسی‌شده حتی یک مورد نیز به بحران هویت

قومی نپرداخته و تضعیف و حتی اضمحلال و نابودی هویت‌های قومی برایش مهم نبوده است و اساساً هویت قومی را اغلب به این خاطر بررسی کرده‌اند که به هویت ملی بپردازند.

در ۵۲/۳ درصد پژوهش‌ها، رابطه بین هویت ملی و قومی و موضوعات مرتبط با آن، پرسش و مسئله اصلی تحقیق بوده است. همان‌گونه که فراتحلیل عبداللهی (۱۳۸۹) نیز نشان داد، بحران هویت ملی و عوامل تضعیف یا تحکیم هویت ملی در بیش از نصف مقاله‌ها مسئله اصلی پژوهش بوده است. در مجموع می‌توان گفت گفتمان حاکم بر مطالعات هویت قومی در ایران مسئله هویت قومی را از بعدی آسیب‌شناختی به‌عنوان عامل بحران‌زای هویت ملی طرح کرده و تقویت هویت قومی را برابر با تضعیف هویت ملی انگاشته و در نتیجه برای آن راهکارهای امنیتی، سیاسی یا نهایتاً اقتصادی اندیشیده است.

اغلب فراتحلیل‌ها از جمله کار عبداللهی (۱۳۸۹)، کریمی و همکاران (۱۳۹۱) و جعفرزاده و حیدری (۱۳۹۳) به بررسی راه‌حل‌های ارائه‌شده در ارتباط با موضوع نپرداخته‌اند. اما پژوهش حاضر این مقوله را نیز مورد فراتحلیل قرار داده است. بر این اساس، ۳۶ درصد تحقیق‌ها به ارائه راهکارها نپرداخته‌اند و بقیه نیز به ذکر راهکارهای کلی بسنده کرده‌اند که عموماً مسئله را به بعد اقتصادی تقلیل داده‌اند و در برخی نیز به تکریم حقوق شهروندی، مشارکت اقوام، پذیرش تکثرگرایی و حفظ فرهنگ اقوام اشاره کرده‌اند.

هرچند هویت براساس مؤلفه‌های فرهنگی متمایز می‌شود، تنها در قلمروی سیاست است که بر ساخت می‌شود. تعریف خود در تقابل با دیگری خصلت آنتاگونیستی (تنازع‌آمیز) هویت را می‌نمایاند و بر این اساس می‌توان گفت هویت به‌هیچ‌وجه مقوله فرهنگی صرف نیست. با برآمدن مدرنیته و تکوین دولت مدرن و فرایندهای دولت‌ملمت‌سازی، هویت موضوع گفتمان، قدرت و سیاست شد. ساختار سیاسی اقتدارگرا و غیردموکراتیک کشورها زمینه بحران را پرورش می‌دهد و همین ساختار به ستم‌های ملی و مذهبی علیه اقلیت‌ها، عدم توازن منطقه‌ای و استعمار داخلی و تبعیض می‌انجامد که به‌آسانی با مطالبات هویتی درمی‌آمیزد و نزاع‌های خون‌بار هویتی را رقم می‌زند.

براساس فراتحلیل جعفرزاده‌پور و حیدری (۱۳۹۳) متغیر نابرابری اجتماعی بیش از سایر متغیرها بر هویت ملی و قومی تأثیرگذار است و بیشترین سهم را در تبیین و پیش‌بینی پایبندی به هویت ملی و قومی دارد؛ اما به نظر می‌رسد نباید مسائل هویتی را به سطح مطالبات اقتصادی تقلیل داد، چون بیشتر از هر چیز به بازشناسی در سطح سیاسی برمی‌گردد. امری که به عدم تحقق مدرنیته سیاسی برمی‌گردد. تکوین دولت مدرن در بسیاری از کشورهای منطقه از جمله سوریه، عراق، ترکیه و ایران به شکلی اقتدارگرایانه و وجهی قوم‌مدارانه تأسیس شد و به دلیل وضعیت آشوب و بی‌نظمی پیش از آن و غلبه وجه مدرنیزاسیون، مدرنیته سیاسی

کم‌اهمیت و حاشیه‌ای قلمداد شد. سیاست حذف، ادغام و همانندسازی قومیت‌ها اگر در گذشته ممکن نشد، اکنون بسیار نامحتمل‌تر به نظر می‌رسد. اتخاذ این رویکرد باعث تقویت گفتمان مقاومت و به تعبیر کاستلز «هویت مقاومت» می‌شود (مارتین و کاستلز، ۱۳۸۴). هم‌بستگی ملی مستلزم ترکیبی از هم‌گرایی است که جامعه باثبات را بر مبنای یک پلورالیسم فرهنگی در یک دولت چندملیتی مبتنی بر دموکراسی بنا کند.

انباشته‌شدن تبعیض‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تمایزات هویتی را می‌تواند محمل مناسبی برای بسیج توده‌ای و منازعات هویتی سازد. بخشی از بحران نهفته و آشکار دولت‌های منطقه ناشی از تبعیض، نابرابری و بی‌عدالتی حول قومیت و مذهب است که روابط فرادستی و فرودستی را ایجاد کرده که زمینه را برای منازعات هویتی مهیا می‌سازد. ایران کنونی وارث و بازمانده یک امپراتوری است و مردمانی با هویت‌های مختلف قومی و مذهبی در آن زندگی می‌کنند، بنابراین نمی‌تواند مدل دولت‌ملت را در ساختار سیاسی خود بدون چالش برقرار کند. آنچه در مقایسه با تقویت هویت ملی اهمیت بیشتری دارد هم‌بستگی ملی و هم‌بستگی اجتماعی است. لذا باید با بازتعریف دوباره هویت ملی و رهاکردن آن از بنیان‌های خاص‌گرایانه و مؤلفه‌های قومی و بنای آن بر ویژگی‌های فرهنگی عام تمدن و فرهنگ ایرانی، و همچنین بازشناسی<sup>۱</sup> اقوام و دموکراتیزاسیون ساختار سیاسی و حقوقی و گسترش عدالت و برابری، توسعه نگاه شهروندی در چارچوب مدرنیته سیاسی و گذر از نگاه تقابلی هویت ملی و هویت قومی، ایجاد ساختار دموکراتیک سیاسی و قبول و بازشناسی تکرر هویتی به چاره‌یابی و کاهش زمینه‌های تضاد همت گمارد.

در نهایت اینکه یکی از دلایلی که مسئله بحران هویت ملی و نسبت آن با هویت قومی را با اهمیت می‌سازد، نگرانی از تقویت هویت قومی در تقارن با تضعیف هویت ملی است که بر اساس آن به تقابلی شدن نسبت میان این دو و تضعیف هم‌بستگی ملی می‌انجامد. این رویکرد با دو خطای بنیادی مواجه است. نخست اینکه هویت ملی را مترادف با هم‌بستگی ملی معنا می‌کند و دیگر آنکه قائل به رابطه‌ی الاکنگی بین هویت ملی و قومی است که تقویت یکی با تضعیف دیگری ضرورت پیدا می‌کند. به دلیل اینکه ایران کشوری با تنوع قومی و مذهبی است، بنیاد نهادن هویت ملی با عناصر و مؤلفه‌هایی که همه‌شمول نیست و تقویت آن با برجسته‌ساختن بعد مذهبی هویت و در عین حال استمداد از هویت ملی ملهم از ایران باستان، هم‌بستگی و تعلق ملی را تهدید می‌کند و یادگفتمان‌های آن را تقویت می‌کند و از سوی دیگر به دلیل تداوم جغرافیایی اقوام ایران در کشورهای همسایه به تخاصم با همسایگان نیز منجر می‌شود. بنابراین حاکمیت باید هم‌بستگی ملی را از دایره تنگ هویت ملی رها سازد و در عین

<sup>۱</sup> recognition

حال مبنای همه‌شمول و غیرفرهنگی و مبتنی بر مفهوم شهروند و ملت سیاسی را برای تأسیس هویت ملی به کار گیرد.

به دلیل نقش سیاست‌های قومی دولت در مدیریت روابط بین اقوام و دولت و تأثیر آن در بروز تنش و تخصص یا هم‌بستگی ملی، عموماً موضع‌گیری اقوام نسبت به حاکمیت و بعد سیاسی هویت ملی بوده است و رو به سوی اقوام دیگر نداشته است؛ اما در صورت تداوم استعمار داخلی و عدم تعادل منطقه‌ای و رویکرد ایدئولوژیک در زمینه‌ی هم‌مون‌ساختن گفتمان هویتی غالب، تنش و تخصص قومی نه‌تنها علیه دولت بلکه علیه مردمان متعلق به اقوام دیگر رشد می‌کند و نه‌تنها هویت ملی را با چالش و بحران مواجه می‌سازد بلکه هم‌بستگی اجتماعی و تعلق ملی را نیز زایل می‌سازد.

به نظر می‌رسد اگر سیاست‌های ما در زمینه‌ی تقویت هویت ملی به شیوه‌ی مستقیم یا غیرمستقیم با تضعیف هویت قومی که اکنون به مرحله‌ی خودآگاهی رسیده‌اند ملازمت پیدا کند، جای نگرانی دارد، چون به طرد اقوام و واگرایی و پناه‌بردن به گفتمان مقاومت منتهی می‌شود. بنابراین ما نیازمند بازاندیشی در تعریف هویت ملی و نسبت آن با هویت قومی هستیم تا از مخدوش و زایل‌شدن تصویر ملت ایران و وحدت ملی جلوگیری کنیم. اگر در گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی مرتبط با هویت از یک سو و امور فراگفتمانی مرتبط با واقعیت‌های عینی و ساختارهای موجود از سوی دیگر دگرگونی ایجاد نکنیم، ممکن است با هزینه‌های بسیار مجبور به دگرگونی شویم که دلخواه ما نباشد.

تحولات جهانی‌شدن، سیاسی‌شدن هویت و رشد آگاهی‌های هویتی پیروی از ایدئولوژی‌های قرن نوزدهمی مانند ناسیونالیسم را با چالش مواجه ساخته است. لذا در کشوری مانند ایران با تنوع هویت قومی و مذهبی، باید از ایدئولوژی‌هایی مانند ملی‌گرایی مبتنی بر ایران باستان که ترک‌ها، عرب‌ها و کردها را به‌مثابه‌ی دیگری برمی‌سازد و همچنین از گفتمان‌های قوم‌گرایانه و ایدئولوژی‌های مذهبی اجتناب کرد و نباید آنها را مبنای سیاست هویتی قرار داد.

اگر در دوران نوسازی، دولت‌ها مجری مدرن‌سازی و پروژه‌ی دولت‌مصلحت‌سازی بودند و به‌واسطه‌ی آموزش رسمی و تمرکز رسانه‌ها در دست دولت اقتداری بی‌رقیب داشتند و قادر به سوزده‌سازی از بالا و هم‌مون‌ساختن گفتمان هویتی مطلوب خود بودند، اکنون فضای جهانی‌شدن گسترش و تکثر بی‌شمار رسانه‌ها در کنار عوامل جامعه‌شناختی و تحولات فکری اخیر، سوزده‌گریزی از پایین را امکان‌پذیر ساخته است.

## منابع

- اباذری، ی و گودرزی، م (۱۳۸۲) «مدل مطالعه قومیت و گروه‌های قومی: براساس مطالعه موردی منطقه سیستان و بلوچستان»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*، شماره ۲(۲۲): ۱۸۵-۱۹۳.
- ازکیا، م و توکلی، م (۱۳۸۵) «فرا تحلیل مطالعات رضایت شغلی در سازمان‌های آموزش بررسی و ترکیب نتایج پایان نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه‌های دولتی شهر تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۷: ۱-۲۶.
- اینس، م و کاستلز، م (۱۳۸۴) *گفت‌وگوهای با مانوئل کاستلز*، ترجمه ح. چاوشیان و ل. جوافشانی، تهران: نی.
- جعفرزاده‌پور، ف و حیدری، ح (۱۳۹۳) «فرا تحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران»، *فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی*، شماره ۳ (۱۱): ۶۳-۹۶.
- جلایی‌پور، ح. ر و محمدی، ج (۱۳۸۷) *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی*. تهران: نی.
- جنکینز، ر (۱۳۸۱) *هویت اجتماعی*، ترجمه ت. یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- صدیق سروستانی، ر. ا (۱۳۷۹) «فرا تحلیل مطالعات انجام شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۸ (۱۵): ۶۷-۱۰۳.
- عبداللهی، م (۱۳۸۹) «هویت ملی در ایران: فرا تحلیل مقاله‌های فارسی موجود»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۵۰: ۱-۳۵.
- عبداللهی، م و قادرزاده، ا (۱۳۸۸) «هویت جمعی غالب کردها در کشورهای ایران و عراق»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی*، شماره ۱۷ (۳۶): ۱-۲۵.
- فکوهی، ن (۱۳۸۱) «شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۴ (۴): ۱۲۷-۱۶۱.
- فکوهی، ن و عیاری، آ (۱۳۸۸) «اینترنت و هویت در پنج هویت قومی ایرانی»، *مجله جهانی رسانه*، شماره ۷: ۸۹-۱۱۴.
- قهرمان‌پور، ر (۱۳۸۳) «جهانی‌شدن و بحران هویت در کشورهای خاورمیانه»، *مطالعات خاورمیانه*، شماره ۳۹ و ۴۰: ۲۱-۴۲.
- کچوئیان، ح (۱۳۸۴) *تطورات گفتمان‌های هویتی در ایران*، تهران: نی.
- کریمی، ج، قادری، ص. ا و محمدپور، ا (۱۳۹۱) «جامعه‌شناسی و مشکله هویت ایران: فرا تحلیلی از مطالعات نظری و پژوهشی هویت»، *مطالعات ملی*، شماره ۴۹: ۲۹-۵۸.

فرا تحلیل مقالات مرتبط با رابطه هویت قومی و هویت ملی در ایران

کهنه‌پوشی، م (۱۳۸۸) «تحلیل محتوای مفهوم هویت کتاب‌های درسی جامعه‌شناسی ۱ و ۲ (رشته ادبیات و علوم انسانی دوره متوسطه)»، *مطالعات برنامه درسی*، شماره ۱۳ و ۱۴: ۱۴۰-۱۲۵.

محسنی تبریزی، ع. ر، جزایری، ع. ر و بابایی، ن. ا (۱۳۸۹) «فرا تحلیل مطالعات مربوط به سوء مصرف مواد با رویکرد روانی-اجتماعی طی یک دهه و نیم گذشته (۱۳۷۰-۱۳۸۴). فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱(۱): ۱۷۵-۲۰۰.

ناطق پور، م. ج و فیروزآبادی، س. ا (۱۳۸۵) «فرا تحلیل سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن»، *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات (نامه علوم اجتماعی سابق)*، شماره ۱(۲۸): ۱۶۰-۱۹۰.

هال، استوارت (۱۳۸۳ الف) «بومی و جهانی: جهانی‌شدن و قومیت»، ترجمه ب. برکت، *فصلنامه ارغنون*، شماره ۲۴: ۲۳۹-۲۶۲.

هال، ا (۱۳۸۳ ب) «هویت‌های قدیم و جدید»، ترجمه ش. وقفی‌پور، *فصلنامه ارغنون*، شماره ۲۴: ۳۱۹-۳۵۲.

Gallagher, T. (2005) *Education in Devided Societies*. Palgrave Macmillan.  
Harold, I (2006) 'Idols of the Tribe: Group Identity and Political Change' In Harper (Ed.), *The American Heritage Dictionary of the English Language* (Forth Edition), Boston: Houghton Mifflin, 59-78.

**پیوست**

چک‌لیست مورد استفاده جهت استخراج اطلاعات

بخش روشی						بخش نظری					بخش عمومی				
نوع تحقیق (تجربی / توصیفی / علی / تحلیلی بودن - کمی / کیفی)	شیوه نمونه‌گیری	حجم نمونه	جامعه آماری	ابزار تحقیق	روش	مربله‌های قومیت	ضرورت اهمیت	نظریه‌ها	نظریه پردازان	پیشینه تحقیق	سؤال اصلی تحقیق	موضوعات مرتبط و فرعی	سال	رشته	

بخش روشی	یافته‌ها - نتایج						بخش عمومی
متغیرهای مستقل	سوال‌ها یا فرضیات	تبیین هویت قومی	جایگاه و نقش رسانه در ساخت هویت قومی	نسبت هویت ملی و قومی	راهکارهای اصلی	یافته‌ها، نتایج	اقدام مورد مطالعه